

چشم‌اندازی بر ژئوپولتیک جهان اسلام در بازی قدرت و رهبری جهانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر توان و ظرفیت‌های ژئوپولتیکی جمهوری اسلامی ایران)

سید داود آقایی*

سید محمود حسینی**

چکیده

سؤالی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که آیا ژئوپولتیک جهان اسلام، توان و ظرفیت رقابت در بازی قدرت و پیشوایی جهانی را دارد یا نه؟ نتیجه تحقیق این است که ژئوپولتیک جهان اسلام با قابلیت‌های بالای اقتصادی، نظامی، استراتژیکی، ایدئولوژیکی، توان رقابت در میان قدرت‌های بزرگ دیگر در مسیر دستیابی به جایگاه رهبری جهانی را داراست؛ با این شرط که زمینه و بستر همگرایی و هم‌پوشانی منابع کشورهای اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی اسلامی فراهم آید و چالش‌ها و موانع پیش‌رو برداشته شود. در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای مهم جهان اسلام با استفاده از پتانسیل‌های ژئوپولتیکی مادی و معنایی خود، نقشی بی‌بدیل در این زمینه ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

ژئوپولتیک جهان اسلام، رهبری جهانی، ایالات متحده آمریکا، ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، هم‌گرایی و هم‌پوشانی منابع، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

صعود و افول قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ و دستیابی آنها به رهبری جهانی یکی از موضوعات مهم و اساسی پیش‌روی اندیشمندان عرصه نظریه‌پردازی سیاسی بوده است و از این‌رو دیدگاه‌های متفاوتی در این

sdaghaee@ut.ac.ir

mhossini92@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۷

*. عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۳

مورد ارائه شده است. تحلیل گران بیشتر بر این موضوع متمرکز می‌شوند که چگونه یک قدرت، روندی از ظهور، رشد و انحطاط در قدرت و رهبری جهانی را می‌پیماید و چه عوامل و شرایطی سبب افول و انحطاط یک قدرت بزرگ از این سلسله مراتب می‌شود و نهایتاً روند تحول در نظام بین‌الملل و به عبارت دیگر جابه‌جایی قدرت میان بازیگر هژمون (رهبر جهانی) و بازیگر مدعی از چه طریق امکان‌پذیر است و ویژگی‌ها و مشخصه‌های بازیگر مدعی برای احراز رهبری جهانی چیست؟

در پاسخ بدین سؤال، باید به نظریه جورج مدلسکی^۱ نگاهی انداخت؛ وی با طرح تئوری چرخه بلند مدت جهانی،^۲ به عنوان الگوی رفتاری برگشت‌پذیر که شکل‌گیری آن با پیشوایی یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی منطبق بوده است، نشان می‌دهد که در طول تاریخ، بازیگرانی که توان نوآوری و حرکت به جلو را در جهت ارتقای مصلحت عمومی داشته‌اند از پتانسیل بیشتری برای رهبری جهانی برخوردار بوده‌اند. (شفیعی و قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۰) باید گفت این الگو و تئوری به درک سیاست‌های جهانی و همچنین چارچوبی برای تحلیل وضعیت قدرت‌های بزرگ در بازی کسب قدرت بیشتر و پیشوایی جهانی، کمک شایانی می‌کند. (Kegley Jr, 2012-2013: 85)

به هر ترتیب، امروزه در سیاست بین‌الملل بیش از پیش، رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر پیشوایی جهانی گسترش پیدا کرده است. پس از دوره جنگ سرد که با هژمونی آمریکا پایان یافت، این هژمونی روز به روز رو به افول نهاد و اخیراً ما شاهد زایل شدن توان رهبری آمریکا و کاهش قدرت روز افزون این کشور در دورترین نقاط جهان هستیم. علاوه بر آن، قدرت‌های بزرگ^۳ دیگر، خود به عنوان چالش عمده برای آمریکا به حساب می‌آیند که یکی از این قدرت‌ها، جهان اسلام می‌باشد.

این مقاله در مجموع یک کار مقدماتی در زمینه ژئوپولیتیک، بازی قدرت و رهبری جهانی پس از دوره جنگ سرد می‌باشد و در این مضمون تلاش بر این است تا نقش جهان اسلام را در ساخت نظم ژئوپولیتیک جدید در عرصه جهانی، مورد بررسی قرار دهد.

علاوه بر آن در این پژوهش، ما به بررسی توانایی و ظرفیت‌های کشورهای اسلامی برای حضور در صحنه رقابت جهانی برای شکل‌گیری نظم ژئوپولیتیکی جدید نظر داریم که این مورد به پژوهش مذکور نوآوری می‌بخشد. جدا از این مسئله، جمهوری اسلامی ایران با توجه به پتانسیل‌های ژئوپولیتیکی عظیم برآمده از مؤلفه‌های مادی (دسترسی به مناطق ژئوپولیتیکی، استقرار در میادین نفتی و داشتن منابع و ذخایر انرژی) و معنایی (ناشی از قابلیت‌های زیربنایی ژئوپولیتیکی انقلاب اسلامی، ژئوپولیتیک شیعه و استفاده از ایدئولوژی شیعه) نقشی عظیم در تقویت قدرت ژئوپولیتیکی جهان اسلام ایفا می‌نماید. (متقی، ۱۳۹۲: ۲۸)

1. George modelski.
2. Long cycle theory.
3. Major power.

الف) مفاهیم و میانی نظری

۱. قدرت نرم و سخت

قدرت از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است و دولت‌ها برای اینکه بتوانند بر دیگر بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل اثر بگذارند و سیاست‌های آنها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در گذشته دولت‌ها برای به دست آوردن اهداف خود به اعمال قدرت سخت^۱ در قالب توانایی‌های نظامی و اقتصادی مبادرت می‌ورزیدند. قدرت سخت در کاربرد ابزارهای نظامی، به کار بردن زور، بازدارندگی، تهدید و ارعاب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند و همچنین در اعمال قدرت اقتصادی، فشار مالی، تحریم‌های اقتصادی، رشوه دادن، کمک‌های مالی، تشویق و تهدیدهای اقتصادی خود را نشان می‌دهد. (هرسیج، ۱۳۹۱: ۸۱) اما امروزه، با توجه به انقلاب ارتباطات و همچنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، به کارگیری قدرت سخت، هزینه‌های زیادی را در پی دارد. بنابراین دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود، از قدرت نرم^۲ به منظور مقبولیت و پذیرش هر چه بیشتر و همچنین کاهش هزینه‌ها به واسطه مقاومت کمتر دیگران، استفاده کنند.

به هر حال قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بعد متأخر از قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید و باورها و آداب و سنن اجتماعی نشئت می‌گیرد که نتیجه پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید است که به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. باید گفت امروزه این قدرت نقش مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است. (Nye, 2007: 154)

۲. ژئوپولیتیک

ژئوپولیتیک^۳ که معادل فارسی آن جغرافیای سیاسی است، رویکرد یا دیدگاهی در سیاست بین‌الملل است که سعی دارد تا رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی را برحسب محیط طبیعی توضیح دهد. بر طبق این رویکرد ژئوپولیتیک با درجات مختلف بیان‌گر تأثیر قطعی جغرافیا بر امور تاریخی و سیاسی است. (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) این واژه در ابتدا در سال ۱۸۹۹ به وسیله دانشمند علوم سیاسی سوئدی، رودلف کی‌الن^۴ به کارگرفته شد و وی آن را به عنوان بخشی از دانش استعماری غربی در نظر گرفت که از رابطه جغرافیای طبیعی و زمین با سیاست بر می‌آمد. (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۱)

به هر حال امروزه، ژئوپولیتیک توجه خود را عمدتاً بر عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست مؤثرند

1. Hard power.
2. Soft Power.
3. Geopolitics.
4. Rudolf Kjelen.

معطوف می‌دارد و در واقع دانشی است که روابط میان دولت و سیاست‌های آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بر این اساس، تعریف ژئوپولیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی هستند و می‌توان گفت ژئوپولیتیک عبارت است از علم روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر. (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

۳. ژئواکونومی

ژئواکونومی^۱ را می‌توان تحلیل استراتژی‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن سود تجاری که از طرف دولت‌ها اعمال می‌شود، به منظور حفظ اقتصاد ملی یا بخش‌های حیاتی آن و به دست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختارهای سیاسی و خط مشی مربوط به آن در نظر گرفت که هدف اصلی آن دستیابی به استیلای تکنولوژی و بازرگانی است. (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱۲ - ۱۱۰)

پایه و اساس این بحث، استدلالی است که ادوارد لوت واک^۲ در تقابل با ایده پایان تاریخ فوکویاما ارائه داده است و در آن، فرض را بر این قرار داد که پایان جنگ سرد باعث گردیده تا از اهمیت برخوردار از توانایی‌های نظامی در رابطه با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاسته شده و از سوی دیگر بر اهمیت موضوعات اقتصادی، تولید، تجارت و بازرگانی افزوده شود. (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۳۵) بر این اساس، ژئواکونومی از ترکیب سه جزء جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و فاکتور سیاست که به عنوان عاملی مهم در ژئوپولیتیک در نظر گرفته شده، جای خود را به اقتصاد داده است. (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹)

(ب) یافته‌های تحقیق

۱. توسعه و بسط ژئوپولیتیک جهانی

پایان جنگ سرد نشانه‌ای بود بر پایان نظم ژئوپولیتیک قدیم جهانی (با محوریت شرق و غرب) و آغاز دوره انتقال و گذار ژئوپولیتیکی برای نظم جدید. (Naji & Jayum, 2013: 1) همین دوره را می‌توان سرآغاز ظهور قدرت‌های جدید که مدعی رهبری و پیشوایی جهان بودند دانست. این قبیل کشورهای قدرتمند نوظهور تلاش دارند تا یک نظام جهانی جدید را با قواعد و ارزش‌های نو و با بازتوزیع قدرت و در مجموع یک نظم جدید ژئوپولیتیکی شکل دهند.

بنابراین، بلافاصله پس از پایان جنگ سرد ساختار سیستم جهانی با بی‌نظمی‌های ژئوپولیتیکی عمده‌ای مواجه شد که بیان‌گر این مسئله بود که نظم ژئوپولیتیک این دوره در حال گذار به نظم و سیستم جهانی جدیدی است. (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۵۲) این بلاتکلیفی حاصل عدم کارایی قواعد، نمادها، ارزش‌ها و عقاید نظم

1. Geoeconomy.
2. Edward N. Lutwak.

جهانی پیشین می‌بود. (Agnew & Corbridge, 1995) همچنین باید به این نکته اشاره کرد که در دوره گذار ژئوپولیتیکی حوادثی چون آشوب، نبود امنیت، فقدان مدیریت کنترل فرایند منطقه‌ای و جهانی، سرکوب نظامی، رقابت در میان قدرت‌ها، ائتلاف‌های بی‌ثبات، ظهور بازیگران جدید، تروریسم بین‌المللی و ... رخ می‌دهد. (Hafeznia, 2010: 2) وجود این قبیل بی‌نظمی‌ها در روابط بین‌الملل حاکی از نبود حاکمیت مطلق در عرصه جهانی است. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۷)

۲. آمریکا و رهبری جهانی

دستورالعمل و برنامه‌های ژئوپولیتیک ایالات متحده آمریکا در قرن بیست و یکم، تمایل به حفظ موقعیت پیشوایی جهانی این کشور بوده است که این موضوع بیش از پیش توسط سیاست‌گذاران و مجریان سیاست خارجی این کشور پس از سقوط شوروی در سال ۱۹۹۱ دنبال شده است. (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۴۷) اگرچه ائتلاف بین‌المللی علیه عراق برای خروج از کویت در سال ۱۹۹۱، ظاهراً رهبری جهانی آمریکا را درون یک سیستم تک قطبی نشان داد، اما ظهور و پیدایش قدرت‌های نوظهور دیگر به عنوان رقبای جدی آمریکا برای احراز پیشوایی جهانی، گواه بر تمایل بالقوه جهانی به سمت گذار به یک سیستم چندقطبی در آینده است. (Kegley Jr, 2012-2013: 109) فرایند کاهش قدرت ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۷۰ با وقوع تحولاتی نظیر کاهش ارزش دلار در سال ۱۹۷۱، تحریم نفتی اعراب علیه غرب و بحران نفتی سال ۱۹۷۳، پایان جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵ و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تسریع شد. این پدیده‌ها حاکی از کاهش مشروعیت رهبری جهانی آمریکا از دید عموم جهانیان است که کم‌کم بستر و زمینه دوره گذار را فراهم می‌آورد. (Naji & Jayum, 2013: 3)

ناکارآمدی این نظام تک قطبی و نپذیرفتن و بی‌توجهی دیگر قدرت‌های مطرح جهان، زود این مطلب را به اثبات رساند که دنیا دیگر جایی برای سیطره یک ابرقدرت نیست و شرایط برای تداوم و استحکام رهبری جهانی آمریکا مهیا نیست. این مسئله ناشی از دو عامل مهم می‌بود؛ نخست آنکه ایالات متحده آمریکا دیگر توانایی و اقتدار رهبری جهانی را از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از دست داده و دوم اینکه اعضای جامعه جهانی در برابر خواسته‌های آمریکا سر باز زده و آمریکا نمی‌تواند این دولت‌های نافرمان را تنبیه کند. شاید اولین اقدام ممانعت از انکار رهبری آمریکا، از سوی اروپای غربی و ژاپن شکل گرفت؛ انکاری که در پی تقویت توان اقتصادی این بازیگران، محتمل می‌نمود. (والرستین، ۱۳۸۸: ۳۴۲) علاوه بر آن، چین و روسیه نیز توجه خاصی به جهان چندقطبی معطوف داشته‌اند، به نحوی که در جولای سال ۲۰۰۱ اهداف خود را در قالب معاهده‌ای دوجانبه به صراحت و به وضوح بیان داشتند. ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین اعلام کردند که تحول جهان به سمت تک قطبی را تحمل نخواهند کرد. (گلنون، ۱۳۸۲: ۱۷۲)

۳. ژئوپولیتیک جهان اسلام پس از دوره جنگ سرد

پس از سقوط نظام دوقطبی در جهان، نظام جهانی شاهد استقلال کشورها از یوغ دو بلوک شرق و غرب در اقصی نقاط جهان بود که یکی از این حوزه‌ها، در جهان اسلام به وقوع پیوست. این پدیده بستر استقلال و یکپارچگی ژئوپولیتیکی را برای کشورهای تازه به استقلال رسیده اسلامی مهیا کرد. (Naji & Jayum, 2013, 4)

در اولین گسترش و توسعه ژئوپولیتیکی درون حوزه جهان اسلام، کشورهایی نظیر آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان همراه با اکثریت جمعیت مسلمان اعلام استقلال کردند. تولد این شش کشور جدید به علاوه ۷۰ میلیون جمعیت آنها تأثیرات زیادی را بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل گذاشته است. (جانز و لاهود، ۱۳۹۰: ۷۸)

علاوه بر آن، این کشورها به واسطه موقعیت جغرافیایی و ارتباط با سه کشور اسلامی جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و پاکستان، بستر همبستگی بیشتر ژئوپولیتیکی جهان اسلام را فراهم می‌آورند. یکی دیگر از عوامل توسعه ژئوپولیتیکی جهان اسلام را باید در جنگ‌ها و منازعات قومی، نژادی و داخلی جستجو کرد که حوزه‌هایی از اروپای شرقی و خاورمیانه تا آفریقا را در جهان اسلام دربرمی‌گرفت. در سال ۱۹۹۰ بلافاصله پس از سقوط دیوار برلین، صدام حسین به کویت حمله کرد. مدتی بعد در اواخر دهه ۱۹۹۰، هزاران آلبانیایی که اغلب مسلمان بودند در کوزوو به وسیله صرب‌ها قتل عام شدند. علاوه بر آن، اولین و دومین جنگ‌های داخلی چچن در سال ۱۹۹۴ مسلمانان زیادی را به کام مرگ فرستاد. همچنین می‌توان در همین دهه جنگ‌ها و منازعات زیادی را در حوزه جهان اسلام نام برد که شامل شروع منازعه کشمیر از سال ۱۹۹۱ میان هند و پاکستان، جنگ‌های داخلی در الجزایر در سال ۱۹۹۲ و جنگ داخلی در سومالی در دهه ۱۹۹۰ بود. چند سال بعد، خاورمیانه به عنوان کانون جهان اسلام، شاهد حمله نظامی آمریکا به دو کشور مسلمان افغانستان و عراق بود که این جنگ‌ها از سوی آمریکا، با ادعای حمله به تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی تعریف شده بود و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌انداخت. (Naji & Jayum, 2013: 4)

جهان اسلام نیز در همین قرن شاهد تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع غزه و جنوب لبنان در جنگ‌هایی با نام‌های ۲۲ روزه، ۳۳ روزه و ۸ روزه بود. پس از سقوط شوروی، یکی دیگر از محورهای بسط‌دهنده ژئوپولیتیکی جهان اسلام که در ارتباط با ظهور کشورهای منطقه‌ای چالش‌برانگیز علیه منافع آمریکا بود، ظهور پیدا کرد. این گروه از کشورها که از منظر مقامات آمریکایی به عنوان کشورهای یاغی و محور شرارت نام گرفته بودند، جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه، لیبی را شامل می‌شدند که متهم به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت از تروریسم بودند. (Henriksen, 2001)

همراه با وقوع تحولات ۱۱ سپتامبر و تعریف جنگ علیه تروریسم توسط آمریکا، دستورالعمل ژئوپولیتیکی این کشور بر پایه برنامه تقابل با محور شرارت که شامل سه کشور عراق، ایران و کره شمالی بود، بازتعریف شد. این سه کشور از نظر رویکرد سیاست خارجی آمریکا متهم به: ۱. داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، بیولوژیکی

و شیمیایی بودند؛ ۲. متهم به خصومت علیه آمریکا و منافع این کشور بودند؛ ۳. به عنوان حامی گروه‌های تروریستی و کشورهای یاغی در نظر گرفته می‌شدند. (Agnew, 2003: 4)

به‌طور آشکار جمهوری اسلامی ایران و عراق به عنوان دو کشور قدرتمند اسلامی که بیش از پیش قدرت جهانی آمریکا را به چالش می‌کشیدند، باید تضعیف می‌شدند و تابع این امر، ما شاهد تقابل آمریکا با این دو کشور، یکی حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و دیگری انزوای جمهوری اسلامی ایران به واسطه اعمال تحریم‌ها بوده‌ایم. یکی دیگر از عوامل بسط‌دهنده حوزه ژئوپولیتیکی جهان اسلام را می‌توان در رابطه با ظهور جنبش‌های اسلامی - اجتماعی جدید درون کشورهای اسلامی - عربی سال ۲۰۱۱ در نظر گرفت که با نام بیداری اسلامی بازشناخته می‌شوند.

۴. ژئوپولیتیک جهان اسلام (ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها)

از نظر موقعیت جغرافیایی، گستره جهان اسلام را می‌توان از اندونزی در آسیای جنوب شرقی تا مراکش در آفریقای شمال شرقی امتداد داد. جهان اسلام امروزه شامل ۵۷ کشور مسلمان است که از لحاظ راهبردی، از سوی غرب با جهان مسیحیت (لاتینک و سکولار) مواجه است و از سوی شرق با بودیسم و هندوایسم روبه‌روست.

به‌طور تقریبی، یک چهارم جمعیت جهان که معادل ۱/۵۷ میلیارد نفر است را مسلمانان تشکیل می‌دهند که یکی از قطب‌های جمعیتی دنیا محسوب می‌شود و در صورت استفاده مناسب از این نیروی انسانی، می‌توان در جهت تقویت جهان اسلام و تسریع روند هم‌گرایی در آن بهره برد. (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۲۶۸) از این جمعیت در حدود ۵۳ درصد کل مسلمانان در آسیا، ۲۴ درصد در آفریقا و ۲۳ درصد باقی مانده در سایر قاره‌ها پراکنده شده‌اند. (اشرف نظری، ۱۳۸۲: ۲۵ - ۲۰)

درصد بالایی از مسلمانان جهان در منطقه خاورمیانه، زندگی می‌کنند که از این میزان در حدود ۲۰ درصد، کل مسلمانان آسیا را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، در حدود یک پنجم کل مسلمانان جهان (یعنی حدود بیش از ۳۰۰ میلیون نفر) در کشورهای زندگی می‌کنند که اکثریت آنها غیر مسلمان هستند. به‌طور مثال، هند با بیش از ۱۶۱ میلیون مسلمان به عنوان سومین کشور مسلمان‌نشین در جهان محسوب می‌شود. از کل جمعیت مسلمانان در حدود ۹۰ - ۸۷ درصد آنها سنی هستند و مابقی را شیعیان تشکیل می‌دهند. (Pew Research center, 2009)

از لحاظ ژئواستراتژیکی، باید سه قطب جهان اسلام را در آسیای جنوب شرقی، خلیج فارس و شمال آفریقا بازشناخت. این سه منطقه‌ها دارای کانال‌ها و آبراهه‌های استراتژیکی و مهم بین‌المللی هستند.

تنگه‌ها و آبراهه‌های استراتژیکی جهان اسلام، یعنی تنگه مالاکا بین مالزی و اندونزی، تنگه هرمز در خلیج فارس، باب‌المندب و کانال سوئز در شمال شرق آسیا و منطقه شاخ آفریقا و همچنین دو تنگه داردانل و بوسفر در ترکیه را باید به عنوان یکی از قابلیت‌های عظیم ژئوپولیتیکی جهان اسلام نام برد. (نامی، ۱۳۸۶: ۲۶)

۵. ژئواکونومی جهان اسلام

اکثر احتیاجات و نیازهای نفتی جهان از حوزه جهان اسلام، به ویژه منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود. منطقه خلیج فارس به تنهایی ۵۵ درصد ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد ذخایر شناخته شده گاز جهان را در خود جای داده و از نظر حجم ذخایر انرژی با هیچ منطقه دیگری از جهان قابل مقایسه نیست. (میرترابی و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

راهبرد جلوگیری از تسلط دشمنان و یا رقبا بر منابع انرژی این منطقه با آغاز جنگ سرد در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در گزارش سالانه خود به کنگره صریحاً اعلام کرد که «هرگونه کوشش، توسط قدرت‌های خارجی به منظور تحت کنترل درآوردن منطقه خلیج فارس به منزله حمله به منافع آمریکا محسوب می‌شود و چنین حمله‌ای با استفاده از وسایل لازم و از جمله نیروی نظامی دفع خواهد شد». (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۳۰)

بر طبق گفته مقامات آمریکایی، این کشور نه تنها حفظ قدرت‌های رقیب خارجی، بلکه تحرکات قدرت‌های منطقه‌ای را نیز به شدت کنترل می‌کند. برای مثال در سال‌های ۱۹۸۸ - ۱۹۸۷ دولت آمریکا به منظور حفاظت از تانکرهای نفتی کویت در برابر قایق‌های توپ‌دار و موشک‌های جمهوری اسلامی ایران به نیروی نظامی متوسل شد. با وجود پتانسیل عظیم ژئواکونومیکی منطقه خلیج فارس، امروزه نه تنها ایالات متحده آمریکا، بلکه کشورهای قدرتمند دیگری چون هند، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن، عمده نفت خود را از این منطقه دریافت می‌کنند که در این چارچوب، رقابت آمریکا و قدرت‌های بزرگ بر سر کنترل منابع انرژی خلیج فارس بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. به همین دلیل کسینجر در سال ۲۰۰۵ گفت: «رقابت بر سر منافع هیدروکربن، محتمل‌ترین دلیل مناقشه بین‌المللی در سال‌های آتی خواهد بود». (میرترابی و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

۶. سازمان‌های بین‌المللی در جهان اسلام

هرچند مراسم بزرگ حج به عنوان بزرگترین تجمع مسلمانان شناخته می‌شود، اما یک سازمان رسمی بین‌المللی به شمار نمی‌رود. در واقع این مراسم، بزرگترین گردهمایی در حدود دو میلیون مسلمان در سال، به منظور شرکت در مراسم حج می‌باشد. در حقیقت، این گردهمایی را می‌توان به عنوان یک سازمان غیررسمی که دارای پتانسیل قدرت نرم عظیمی است یاد کرد که ایدئولوژی، هنجارها و ارزش‌های اسلامی را بیش از پیش به جهان گسترش می‌دهد و می‌تواند با ایفای نقش سیاسی دینی، بستر همگرایی جوامع مسلمان را فراهم آورد. (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۲۶۶)

در ارتباط با نهادهای رسمی بین‌المللی در جهان اسلام باید از سازمان همکاری اسلامی یاد کرد که به عنوان دومین سازمان بین‌المللی جهان پس از سازمان ملل متحد با حدود ۵۷ عضو مطرح است و در سال ۱۹۶۹ با حمله اسرائیل به مسجدالاقصی شکل گرفت. این سازمان سیاسی ایدئولوژیک، همواره ارزش‌ها و

هنجارهای اسلامی را محور صلح و همکاری‌های بین‌المللی قرار داده است و بر گفتگو میان تمدن‌ها و مذاهب مختلف اشاره دارد. همچنین این سازمان معتقد به حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات بین اعضاست و کشورهای عضو را از استفاده از زور و خشونت در روابطشان باز می‌دارد.

ج) تجزیه و تحلیل

یک. جهان اسلام و رهبری جهانی؛ واقعیت یا توهم

جهان اسلام گروهی پویا، غیر همگرا و شدیداً در حال تغییر و توسعه از کشورهای عمدتاً جهان سومی است و از لحاظ جهانی نیز جوامع متفرق و پراکنده‌ای هستند که در آنها حدود یک سوم از مسلمانان در کشورهای خود، جمعیت اقلیت محسوب می‌شوند. (جانز و لاهود، ۱۳۹۰: ۷۷) جهان اسلام در حال حاضر سرزمینی با ترکیبی متنوع، از نظر انسانی و طبیعی را شامل می‌شود. با توجه به توانمندی‌های مهم ژئوپولیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی آن دارای قابلیت‌های فراوان برای تبدیل شدن به قدرت عمده در عرصه نظام ژئوپولیتیک جهانی است. این در حالی است که باید زمینه‌های هم‌گرایی بیشتر میان دولت‌های اسلامی فراهم شود. به اعتقاد کارشناسان و تحلیل‌گران، جهان اسلام به لحاظ سیاسی می‌تواند با هم‌گرایی و هم‌پوشانی منابع برای خود نقش یک قدرت جهانی را تعریف کند که قابلیت و توانایی دسترسی به رهبری جهانی را داراست. (حافظنیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) در این مضمون، دین می‌تواند به عنوان موتور محرک برای هم‌گرایی‌های مختلف میان جوامع اسلامی، در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی عمل کند. (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۱۲۹) در مسیر متحقق ساختن وحدت اسلامی، توجه به روان‌شناسی رهبران، میزان تمایل کشورهای مختلف نسبت به هم‌گرایی، منابع و نیازهای مختلف آنها و توجه به افکار عمومی از اهمیت خاصی برخوردار است. (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۳۳) به هر حال مهم‌ترین عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر در هم‌گرایی جهان اسلام عبارتند از:

۱. احساس تهدید مشترک

احساس تهدید مشترک امروزه به مهم‌ترین عامل هم‌گرایی در جهان اسلام تبدیل شده است. یکی از این تهدیدهای مشترک در جهان، تهدید صهیونیسم است که بر بستر اجتماعی - فرهنگی دین یهود بنا شده است و به بخشی از دنیای اسلام تعرض کرده و در داخل سرزمین‌های اسلامی به تشکیل دولت - ملت پهلوی مبادرت کرده است. یکی دیگر از منابع تهدید وحدت جوامع اسلامی، تمدن غرب است که در قالب مبارزه با تروریسم به صفت‌بندی و تقابل دنیای غرب در مقابل دنیای اسلام انجامیده است. (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۶۶)

۲. حصول دستیابی به منافع مشترک

در حقیقت باید برای حصول به منافع مشترک و متقابل میان کشورهای اسلامی، سازمان‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در جهان اسلام نظیر سازمان همکاری اسلامی، اپک و ... به وظایف و اهداف خود برای وحدت

در جهان اسلام بیش از پیش جامعه عمل بیوشند و سیاست‌های کشورهای اسلامی را با یکدیگر همسو گردانند تا زمینه‌های اختلافات مرتفع گردد.

۳. ارزش‌های مشترک و تجانس ساختاری

ارزش‌های ساختاری نظیر دین، زبان، فرهنگ، آرمان‌های مشترک عوامل تقویت کننده هم‌گرایی در جهان اسلام محسوب می‌شوند. (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۶۶)

دو. قدرت و رهبری جهان اسلام: وحدت و هم‌پوشانی منابع

در مسیر وحدت جهان اسلام به عنوان یک کل، عوامل و زمینه‌هایی چون اشتراکات دینی، تمدنی، تجانس و همگونی ساختاری و کارکردی، منابع و نیازهای مشترک و احساس تهدید مشترک وجود دارند که می‌توانند به عنوان بستر و زمینه اصلی هم‌گرایی کشورهای اسلامی قلمداد شوند. (حافظنیا و زرغانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) جدا از بحث هم‌گرایی، هم‌پوشانی منابع و ظرفیت‌های کشورهای اسلامی برای تبدیل شدن به قدرت عمده و دستیابی به رهبری جهانی در این بین در اولویت قرار دارد.

قدرت ژئوپولیتیک کشورهای اسلامی در بازی قدرت جهانی، یک واحد اسلامی را می‌طلبد که با بازتوزیع مسئولیت‌ها و وظایف میان کشورهای اسلامی، بر طبق منابع و ظرفیت‌هایشان یک واحد اسلامی شکل می‌گیرد. این واحد بالقوه اسلامی، توانایی و قابلیت‌های هر یک از کشورهای اسلامی را به عنوان مکمل و تقویت‌کننده طرف دیگر ژئوپولیتیک اسلامی در نظر می‌گیرد.

در مجموع، توزیع مسئولیت‌ها بر پایه منابع و امکانات کشورهای اسلامی را می‌توان در محورهایی چون ایدئولوژی، توان نظامی و اقتصادی، دسترسی به دریاهای آزاد و تنگه‌های استراتژیک، منابع غنی نفت و گاز و تولید ناخالص داخلی، طبقه‌بندی کرد. در این بررسی، کشورهای اسلامی را بر پایه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایشان به پنج دسته عمده تقسیم‌بندی می‌کنیم.

در طبقه اول، کشورهایی چون ترکیه، مالزی، اندونزی، قزاقستان و آذربایجان قرار دارند که این قبیل کشورهای اسلامی، به واسطه تولید ناخالص داخلی بالا بازساخته می‌شوند و به عنوان قدرت‌های اقتصادی جهان اسلام تلقی می‌گردند.

در ستون بعدی، جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، مالزی، مصر و ترکیه، به دلیل دسترسی به دریاهای آزاد و تسلط بر تنگه‌های مهم استراتژیک چون تنگه هرمز، مالاکا، سوئز و بوسفر و دارانل قرار دارند. در محور سوم، کشورهای اسلامی چون ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، مصر و اندونزی قرار دارند. این گروه از کشورها از قدرت و توان بالای نظامی در جهان اسلام برخوردارند.

در محور بعد می‌توانیم سه کشور عمده عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران و مصر را به عنوان مروجین ایدئولوژی اسلامی تلقی کنیم، که هنجارها و ارزش‌های اسلامی را به سراسر جهان ترویج

می‌کنند. (Naji & Jayum, 2013: 8-9) از نظر لارین «ایدئولوژی از یک سو به نحوی فوق‌العاده منفی به عنوان مفهومی انتقادی تصور می‌شود که بر شکلی از آگاهی نادرست دلالت می‌کند و درک آدمیان از واقعیت اجتماعی را تحریف می‌کند و از سوی دیگر می‌توان ایدئولوژی را به صورت مثبت به منزله ترجمان جهان‌بینی یک طبقه و یک جامعه تلقی کرد». (جرویس، ۱۳۸۷: ۳۳۲)

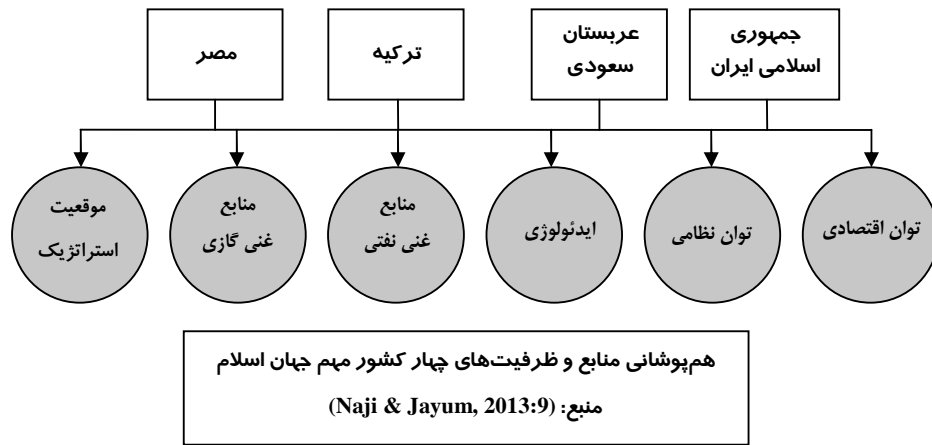
از این منظر، عربستان سعودی مدعی ترویج ایدئولوژی سنی در جهان است، در دیگر سو، جمهوری اسلامی ایران که به عنوان کانون شیعه تلقی می‌شود و ایدئولوژی شیعی را در جهان گسترش می‌دهد. در این میان مصر نیز به عنوان مرکز دانش اسلامی به ویژه در حوزه اندیشه اهل سنت مطرح خواهد بود که اندیشه‌های اسلامی را به سراسر جهان بسط می‌دهد. (Naji & Jayum, 2013: 8-9)

در دو ستون آخر هم می‌توانیم از کشورهای غنی نفتی و گازی در جهان اسلام نام ببریم که شامل شش کشور عربستان سعودی، عراق، جمهوری اسلامی ایران، کویت، ترکمنستان و قطر است.

قدرت اقتصادی	توان نظامی	ایدئولوژی	موقعیت استراتژیک	منابع نفتی غنی	منابع گازی غنی
مالزی	ترکیه	عربستان	جمهوری اسلامی ایران	عربستان	جمهوری اسلامی ایران
ترکیه	پاکستان	جمهوری اسلامی ایران	مصر	جمهوری اسلامی ایران	قطر
اندونزی	جمهوری اسلامی ایران	مصر	ترکیه	عراق	ترکمنستان
قزاقستان	مصر		مالزی	کویت	
آذربایجان			اندونزی		
لبنان			یمن		
قطر					

منبع: (Naji & Jayum, 2013: 9)

طبق بررسی‌های از پیش گفته و با توجه به جدول بالا می‌توان چهار کشور عمده اسلامی را که توان تقویت و هم‌پوشانی منابع یکدیگر را دارند، استخراج کرد. چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر به عنوان قدرت‌های جهان اسلام در زمینه‌های متفاوت تلقی می‌شوند که این قابلیت‌های متفاوت چهار کشور مذکور می‌تواند با تقویت طرف دیگر، زمینه قدرت بیش از پیش جهان اسلام را در بازی قدرت ژئوپولیتیکی جهانی بالا برد.



سه. توان‌ها و پتانسیل‌های ژئوپولتیکی جمهوری اسلامی ایران
جمهوری اسلامی ایران، همواره از پتانسیل‌های عظیم مادی و معنایی در جهان اسلام برخوردار بوده که وزن ژئوپولتیکی این کشور را بیش از پیش تقویت می‌کند. این مؤلفه‌ها شامل موارد ذیل می‌باشد.

۱. مؤلفه‌های مادی

اول. دسترسی به مناطق ژئوپولتیکی

ایران دارای سه امتیاز موقعیتی در جهان است: اولاً این کشور متصل به موقعیت برّی اورآسیاست؛ ثانیاً به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از اینجا صورت می‌گیرد، دارای موقعیت ویژه‌ای است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران نسبت به حوزه‌های ژئوپولتیکی پیرامون از یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور برخوردار است. در واقع ایران به عنوان کشوری با نسبت ژئوپولتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپولتیک اطراف خود حضور دارد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپولتیکی و کارکرد آن نقش مؤثری دارد و فرایند سیاسی این حوزه را شکل می‌دهد. (متقی، ۱۳۹۲: ۲۹ - ۲۸)

دوم. استقرار در میادین انرژی

جمهوری اسلامی ایران با مسافتی در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع در منطقه‌های ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیکی جهان قرار دارد. (شایان، ۱۳۸۹: ۱۱) به عبارت دیگر، ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود در چهار راه جهان و از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده است. علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال - جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق و غرب مصرف انرژی بوده و همچنین مانند پلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی هستند به خلیج فارس مرتبط می‌سازد. (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۶۰)

سوم. منابع و ذخایر سرشار انرژی

جمهوری اسلامی ایران از نظر منابع نفتی با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت، ۹/۴ درصد از کل ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. جدا از منابع غنی نفتی، ایران به عنوان اولین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان (معادل ۳۳/۶ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان) به شمار می‌رود. (BP, 2013: 6-20) همچنین منابع متعدد و گسترده معدنی دیگری چون ذغال سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیوم، طلا، منگنز، سرب، روی و ... ایران را به عنوان کشور غنی در جهان مشخص می‌کند. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۲ - ۲۰۱)

۲. مؤلفه‌های معنایی

گذشته از عوامل مادی که سبب تقویت جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌یابی آن در جهان اسلام می‌گردد، مباحث معنایی نیز به عنوان مؤلفه‌های حیاتی در قدرت ایران مطرح‌اند، به طوری که بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی موضوعیتی برای طرح مؤلفه‌های مادی وجود ندارد. (متقی، ۱۳۹۲: ۳۸) این مؤلفه‌ها عبارتند از:

اول. زیربنای ژئوپولیتیک انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران یکی از پدیده‌های مهم عصر ماست که باعث ایجاد تغییرات گوناگونی در جامعه ایران شده است. انقلابی با خصلت اسلامی و مبتنی بر پشتوانه مردمی که توانست تحولی شگرف در عرصه روابط بین‌الملل و معادلات سیاسی کشورها و قدرت‌ها پدید آورد. انقلاب اسلامی از یک طرف از مدیریت رهبری آگاه به مسائل دینی و امور سیاسی بهره برد و از طرف دیگر بر مشارکت اکثریت مردم تکیه داشت که در اثر این انقلاب، حکومتی دینی بر پایه نظریه ولایت فقیه در ایران پایه‌گذاری شد.

در حقیقت جمهوری اسلامی ایران، با توجه به آرمان‌ها و قانون اساسی که مبنای عمل سیاسی در داخل و خارج کشور قرار گرفته است، حدودی را مشخص کرده که به رغم تعامل با دنیای خارج می‌بایستی برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی و جلوگیری از شکل‌گیری راه‌های نفوذ و سلطه استکبار غرب و شرق به حفظ هویت خود بپردازد. در اینجا ما شاهد تضاد میان گفتمان انقلاب اسلامی و لیبرال دموکراسی غرب هستیم. این دو گفتمان، هم در هویت و ساختار معنایی و هم در ساختار منافع ناشی از این هویت‌ها با یکدیگر تعارض‌هایی دارند. با این حال امروزه، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از الگوی انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد تعامل با کشورهای غیر معارض مانند چین و روسیه و غیره و کشورهای دوست مانند عراق و سوریه و ... و نیز سایر کشورهای اسلامی به رغم رقابت و حمایت برخی از آنها از غرب مانند ترکیه، عربستان و غیره است و از سوی دیگر درصدد ایجاد توازن قوا با غرب به وسیله توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی خود است تا به جای اجبار به تغییر ساختار هویتی خود، به تثبیت خود در ساختار ژئوپولیتیکی منطقه‌ای و جهانی بپردازد. (متقی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۶)

دوم. پراکنش جغرافیایی تشیع و ژئوپولیتیک شیعه

امروزه، جوامع شیعی به چهار بخش عمده تقسیم می‌شوند که شامل موارد ذیل است که براساس دوری و نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران طراحی گردیده است:

الف) شیعیان ایران.

ب) شیعیان نیمه پیرامونی ایران شامل عراق، آذربایجان، بحرین، پاکستان، افغانستان، عربستان، ترکیه،

کویت، قطر، امارات و عمان.

ج) سایر شیعیان آسیا (پیرامون ایران) شامل؛ لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان.

د) گروه‌های پراکنده شیعه در سایر نقاط جهان. (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۰ - ۶۹)

از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس زندگی می‌کنند و در این منطقه ایران با توجه به بیش از ۹۰ درصد جمعیت ۷۵ میلیونی خود، به عنوان کانون جوامع شیعی تلقی می‌شود. با این تفاسیر، بیشتر شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف جمهوری اسلامی ایران هستند و بیشتر آنها با ایران پیوستگی جغرافیایی دارند که از این عامل می‌توان به عنوان یک منبع قدرت‌ساز بهره گرفت. (متقی، ۱۳۹۲: ۴۱)

سوم. ایدئولوژی و منابع در خدمت ژئواستراتژی ایران

شیعیان خلیج فارس در منطقه بسیار حساس از نظر جغرافیای سیاسی قرار دارند. تقریباً در حدود ۷۵ درصد جمعیت خلیج فارس، یعنی منطقه‌ای که سه چهارم مرغوب‌ترین ذخایر نفتی دنیا در آن قرار دارد را شیعیان تشکیل می‌دهند. کشور عراق، جامعه‌ای با حدود ۶۵ درصد جمعیت شیعه، دارای ذخایر بزرگ نفتی در حدود ۹ درصد از ذخایر اثبات شده نفتی جهان را دارا می‌باشد. (متقی، ۱۳۹۲: ۴۳)

در عربستان سعودی نیز شیعیان در استان‌های شرقی الاحساء، قطیف و قنوا در مرکز ذخایر نفتی این کشور قرار دارند. علاوه بر آن، بنا به گزارش آمارهای غیررسمی حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد کارگران بخش صنایع نفتی شرق عربستان، شیعه هستند و یکی از تأثیرگذارترین گروه‌ها در اقتصاد تک محصولی عربستان به شمار می‌روند. (Cronin, 2011: 23)

در کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس نیز شیعیان تقریباً بر مناطق نفتی و گازی تسلط دارند. کشور آذربایجان نیز با حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعه، دارای منابع قابل توجه گازی و نفتی است. ذخایر اثبات شده نفت و گاز این کشور در سال ۲۰۱۲، به ترتیب ۷ میلیارد بشکه و ۹ تریلیون مترمکعب بوده است. (BP, 2013: 6-20)

با این حال، با توجه به استقرار شیعیان در مناطق حساس انرژی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر جهان تشیع می‌تواند از نیروی انسانی تشیع در جهت کنترل خود بر وضعیت انرژی منطقه و حتی جهان استفاده کند که این امر وزن ژئوپولیتیکی ایران اسلامی را افزون تر می‌کند. (متقی، ۱۳۹۲: ۴۵ - ۴۴)

چالش‌های هم‌گرایی در جهان اسلام

دولت‌های اسلامی معمولاً از ارزش‌های مشترک سخن می‌گویند، ولی هنوز یک مجموعه روشن یا قاطعی از برنامه‌های مثبت که اکثریت جهان اسلام در مورد آن توافق نظر داشته باشند، ارائه نکرده‌اند. در این میان چالش‌های عمده بر سر راه وحدت جهان اسلام شامل موارد ذیل می‌باشد که باید مرتفع گردد:

ساختار فضای جهان اسلام و گسیختگی آن

اولین و شاید مهم‌ترین دلیل برای عدم شکل‌گیری گروه‌بندی در قالب جهان اسلام و به تبع آن عدم شکل‌گیری هم‌گرایی منطقه‌ای، گسیختگی فضایی و جغرافیایی و نبودن یکپارچگی سرزمینی است؛ به طوری که قلمرو جغرافیایی جهان اسلام که از اکثریت جمعیت بیش از ۵۰ درصد مسلمان، برخوردار است را می‌توان به یازده منطقه جغرافیایی محدودتر شامل جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا، آفریقای مرکزی و شبه جزیره عربستان تقسیم کرد. بنابراین، پراکندگی کشورهای مسلمان در سه قاره و عدم پیوستگی و یکپارچگی آنها، باعث ایجاد تنوع و تفاوت‌های شدیدی در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای جهان اسلام شده است و این عدم تجانس از موانع مهم هم‌گرایی در جهان اسلام محسوب می‌شود. (حافظنیا و زرقاتی، ۱۳۹۱: ۱۴۴)

تفاوت‌های دیرینه نژادی، منطقه‌ای و فرقه‌ای

جهان اسلام از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، با تجربیات عظیم تاریخی متفاوت تشکیل شده است. نگرش‌های متفاوت موجود میان گروه‌های عمده نژادی و قومی می‌تواند نوعی سوءظن و حتی درگیری میان آنان ایجاد کند. تأثیر این انشعابات نژادی و قومی، بسته به مورد آن، غالباً در مقایسه با جنبه‌های اتحادآور فرهنگ اسلامی بیشتر است. علاوه بر اختلافات نژادی و منطقه‌ای، اختلافات شدید مذهبی در جهان اسلام وجود دارد. اختلاف میان شیعه و سنی و در میان شاخه‌های مختلف هر یک از این دو مذهب یعنی علوی‌ها، مارونی‌ها، دروزی‌ها، قبطی‌ها، احمدی‌ها. در واقع، همه این اختلافات مبین وجود برخی خطوط شکننده بالقوه در جامعه اسلامی است. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۰۰ - ۱۹۹)

میانی ناهمگون اقتصادی - اجتماعی

اختلاف میان فقیر و غنی در جهان اسلام از دیگر خطوط گسله مهمی است که مانع همکاری میان مسلمانان می‌شود. کشورهای بدون نفت از کشورهای ثروتمند دارای نفت رنجیده‌خاطرند، به خصوص زمانی که نفت و ثروت سبب می‌شود شهروندان غنی کشورهای صاحب نفت به شهروندان فقیر کشورهای بدون نفت فخرفروشی کنند. اما کشورهای فقیرتر نظیر قاهره و دمشق، مراکز فرهنگی کهن‌تر و ریشه‌دارتری هستند. نابرابری در مناسبات اقتصادی هم می‌تواند منبع نارضایتی بوده و در برخی موارد به بانگ اعتراض‌آلود انقلابی بینجامد، چنان‌که جمال عبدالناصر و صدام حسین چنین کردند. وجود ثروت‌های ناشی از نفت، همچنین موجب

می‌شود تا ساختارهای حکومتی سنتی نظیر پادشاهی همچنان حفظ شود. علاوه بر آن حتی ساختارهای سیاسی و جهت‌گیری‌های بین‌المللی کشورهای نفت‌خیز نیز متفاوت است. بدین معنا که ثروت کشور در راستای حل کردن بسیاری از معضلات سیاسی و اجتماعی در کشورهای نفت‌خیز با استفاده از ثروت حاصل از فروش نفت از میان می‌رود، در حالی که معمولاً در کشورهای فقیرتر از طریق سیستم‌های سخت‌گیرانه امنیتی با آن برخورد می‌شود. این شکاف‌های اقتصادی خود عاملی برای بسترسازی مشکلات و معضلات اجتماعی در کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. (همان: ۲۰۲ - ۲۰۱)

نا به سامانی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... در کشورهای اسلامی

مشکلاتی نظیر، فقر، بیکاری، نرخ بالای رشد جمعیت، معضلات اجتماعی، بخش دولتی ناکارآمد، فساد، فقدان دولت نماینده، نبود آزادی‌ها و مشارکت سیاسی، بحران مشروعیت دولت، سرکوب و وجود رژیم امنیتی و ... در کشورهای اسلامی بیداد می‌کند.

ایدئولوژی‌های سیاسی و رژیم‌های سیاسی گوناگون در دنیای اسلام

مهم‌ترین ویژگی ایدئولوژی‌های سیاسی در جهان اسلام، طبیعت تناقض‌آمیز آنان است. از یک طرف، دین آنها را به برادری اسلامی و رای مرزهای نژادی، طبقاتی و ملی دعوت می‌کند و از طرف دیگر ناسیونالیسم و ایدئولوژی‌های خارجی دیگر، متمایل به تخریب اصل وحدت اسلامی هستند. ویژگی دوم ایدئولوژی‌های اسلامی، دودلی، بی‌تصمیمی و عدم قطعیت در ارتباط میان آمال، آرزوها و واقعیت‌ها و نیز بین نخبگان و توده است. (حسین، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

تعارضات سرزمینی و اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای اسلامی

در واقع باید اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای اسلامی را چند بعدی و پیچیده در نظر گرفت، به طوری که در جهان اسلام ما شاهد اختلافات ارضی و مرزی متعددی هستیم. نمونه نخست آن مربوط به اختلافات مکانی مرزی است که ناشی از مشخص نکردن مکان دقیق مرز و یا تفسیرهای گوناگون و یا تغییر مکان عوارض طبیعی است که از آنها برای علامت‌گذاری در مرز استفاده می‌شود. نمونه بارز این اختلاف مربوط به جمهوری اسلامی ایران و عراق در خصوص اروندرود می‌باشد. در مورد اختلافات ارضی می‌توان نمونه‌های فراوانی در جهان اسلام از جمله اختلاف بین عربستان سعودی، عمان و ابوظبی بر سر واحدهای بوریمی و یا ادعاهای عراق در خصوص کویت و ... اشاره کرد و سرانجام در مورد اختلافات ناشی از منابع ممتد در دو سوی مرز و اختلافات عملکردی مرزی می‌توان مثالی از اختلاف بین سوریه، ترکیه و عراق بر سر بهره‌برداری از آب فرات و اختلافات عربستان سعودی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نسبت به منابع هیدروکربنی حوزه‌های مختلف، اشاره کرد. (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸ - ۱۴۷)

ضعف تعاملات و مبادلات اقتصادی میان کشورهای اسلامی

ساختارشناسی تولید در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که اکثریت آنها تولید کننده کالاهای اولیه و مواد معدنی و خام و محصولات کشاورزی هستند. بدین ترتیب به جای اینکه تجارت این کشورها مکمل یکدیگر باشد، به عنوان رقیب یکدیگر محسوب می‌شوند و طبیعی است که با این وضعیت، طرف‌های تجاری کشورهای مسلمان بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشند. (همان: ۱۵۱)

انتخاب خط مشی‌های امنیتی متفاوت

به طور عمده دو عامل در برداشت امنیتی دولت‌های مسلمان اثر می‌گذارد؛ یکی اختلافات ایدئولوژیکی و دیگری ثروت نفت. ترس از همسایگان با مدل‌های انقلابی، و نیز فاصله حاکمیت‌ها از مردم، موجب شده است تا بسیاری از کشورهای نفت‌خیز بیشتر ترجیح دهند با غرب روابط امنیتی برقرار سازند تا اینکه به هر مجموعه امنیتی بین‌المللی اسلامی اعتماد کنند. (عزتی، ۱۳۷۸: ۲۳۹)

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای

در دنیای اسلام قطب‌های قدرت متعددی وجود دارد که دارای وزن ژئوپولیتیک به نسبت یکسانی بوده و برتری دیگر قطب‌ها را برتابیده و با همدیگر رقابت می‌کنند و یکدیگر را به چالش می‌کشند. از سوی دیگر، نبود یک رهبری واحد در جهان اسلام و اختلاف کشورهای مسلمان برای تصاحب این مقام نیز در تضعیف وحدت اسلامی مؤثر بوده است. (حافظنیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای اسلامی

بیشتر کشورهای جهان اسلام به ویژه در شبه جزیره عربستان و آسیای مرکزی و قفقاز از عدم مشروعیت سیاسی رنج می‌برند. عدم اعتماد و اتکای دولت‌مردان این کشورها به ملت خود از یک سو و بدبینی به همسایگان مسلمان خود از سوی دیگر، باعث شده تا این نخبگان برای حفظ و بقای رژیم خود به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. این وابستگی سیاسی باعث ایجاد پیمان‌های متعدد دوجانبه و چندجانبه بین این کشورها و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی شده است که تعهدهایی را به همراه دارد. همین محدودیت‌ها و تعهدات باعث شده تا کشورهای مسلمان توان تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را به صورت مستقل نداشته باشند، به طوری که در رابطه با مسائل مختلف جهانی، کشورهای جهان اسلام خط مشی سیاسی مختلفی را در پیش گرفته و بر سر مسائل سیاسی مشترک، از جمله وحدت جهان اسلام به توافق نمی‌رسند. همچنین در بعد اقتصادی نیز وابستگی به کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان مانعی بر سر راه همکاری گسترده‌تر کشورهای اسلامی تلقی می‌شود. (همان: ۱۵۰)

افراط‌گرایی در جهان اسلام

نارضایتی داخلی، اغلب موجب رشد افراط‌گرایی در کشورهای اسلامی شده است. شاید یکی از مهم‌ترین منابع

اصلی افراط‌گرایی، رژیم‌های ناتوان در کشورهای اسلامی هستند که ترجیح می‌دهند تا جنبش‌های مخالف را در کشور خود نابود کنند و لذا اقدام به خلق نوعی سیاست ایدئولوژیک می‌کنند که تهدیدگر همسایگان و اقلیت‌هاست و هر فرصتی را برای اتحاد واقعی جهان اسلام بر باد خواهد داد. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۰۸)

نتیجه

پس از سقوط شوروی، در عرصه بازی قدرت و رهبری جهانی، ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده از دوره جنگ سرد، همواره با قدرت‌های دیگری چون چین، ژاپن، اتحادیه اروپا، روسیه و اخیراً هند، بر سر تسلط بر پیشوایی جهانی درگیر بوده است. این مسئله از نظر اکثر تحلیل‌گران گواه بر این مدعاست که اگرچه هنوز آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی به نظر می‌رسد، اما در مواجهه با مشکلات جهانی، منطقه‌ای و داخلی به مشارکت کلیه قدرت‌های برتر نیازمند است. بنابراین ما امروز شاهد تزلزل قدرت جهانی آمریکا در عرصه بازی قدرت هستیم و در این میان قدرت‌های دیگر، همواره در جهت کسب قدرت بیشتر و دستیابی به رهبری جهانی، تلاش می‌کنند که یکی از این قدرت‌ها از دید این مقاله، جهان اسلام می‌باشد.

از دیدگاه ژئوپولیتیکی، امپراتوری اسلامی زمانی بزرگترین امپراتوری جهان محسوب می‌گشت، ولی به مرور زمان قدرت آن رو به افول نهاد و اکثر ملل مسلمان زیر سلطه و نفوذ قدرت‌های غیر اسلامی قرار گرفتند. (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۱۲۸) به هر ترتیب امروزه، جهان اسلام با همه چالش‌ها و موانع پیش روی هم‌گرایی، دارای پتانسیل‌های عظیمی در زمینه منابعی چون نفت و گاز، ایدئولوژی، موقعیت استراتژیک و دسترسی به تنگه‌های مهم بین‌المللی، توان اقتصادی و نظامی بالا هستند که از این منابع می‌توان به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه در بازی قدرت بین‌المللی استفاده کرد. در حقیقت، این هم‌گرایی در وحدت منابع، فقط بر پایه درست عمل کردن سازمان‌های بین‌المللی اسلامی چون سازمان همکاری اسلامی، محقق خواهد شد تا موانع پیش روی هم‌گرایی را در جهان اسلام مرتفع گرداند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران با توجه به پتانسیل‌های ژئوپولیتیکی عظیم برآمده از مؤلفه‌های مادی و معنایی ناشی از قابلیت‌های زیربنایی ژئوپولیتیکی انقلاب اسلامی نقشی عظیم در تقویت قدرت ژئوپولیتیکی جهان اسلام ایفا می‌کند. در مجموع می‌توان گفت، امروزه نیز در جهان اسلام عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر واگرایی، وزن بالاتری نسبت به عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر هم‌گرایی دارند که این خود سبب شده است که تنش‌ها و اختلافات در این ساختار فضایی - جغرافیایی بیشتر شود و هم‌گرایی در بین کشورهای جهان اسلام صورت نگیرد. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۱ - ۷۰)

منابع و مأخذ

۱. اتوتایل، ژناروید و سایر نویسندگان، ۱۳۸۰، *اندیشه‌های ژئوپولیتیک در قرن ۲۰*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- چشم‌اندازی بر ژئوپولیتیک جهان اسلام در بازی قدرت و رهبری جهانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها □ ۶۷
۲. احمدی، سید عباس، ۱۳۹۰، *ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپولیتیک شیعه*، تهران، اندیشه‌سازان نور.
 ۳. اسدی، بیژن، ۱۳۸۱، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، سمت.
 ۴. اشرف نظری، علی، ۱۳۸۷، «غرب؛ هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و هشتم، شماره ۱.
 ۵. پیشگاهی‌فرد، زهرا و سایر نویسندگان، ۱۳۹۰، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶۱.
 ۶. جانز، آنتونی اچ و لاهود، نلی، ۱۳۹۰، *اسلام در سیاست بین‌الملل*، ترجمه رضا سیمبر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
 ۷. جرویس، رابرت، ۱۳۸۷، «بازسازی جهان تک قطبی»، *راهبرد یاس*، ترجمه محمد جمشیدی، شماره ۱۵.
 ۸. حافظ‌نیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی، ۱۳۹۱، «چالش‌های ژئوپولیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۸۰.
 ۹. حافظ‌نیا، محمدرضا و سایر نویسندگان، ۱۳۹۰، «تیین نظری فلسفی علل تداوم رقابت‌های ژئوپولیتیک در روابط بین‌الملل پس از فروپاشی بلوک شرق»، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال سوم، شماره ۳.
 ۱۰. _____، ۱۳۹۱، «تحلیل ژئوپولیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۲.
 ۱۱. حسین، آصف، ۱۳۸۷، *جهان اسلام از منظرهای سیاسی مختلف*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
 ۱۲. حقیقت، سید صادق، ۱۳۷۶، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
 ۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وحید نوری، ۱۳۹۱، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره ۳، شماره مسلسل ۵۷.
 ۱۴. سیمبر، رضا و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، ۱۳۸۹، *اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل: رهیافت‌ها و رویکردها*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
 ۱۵. شایان، سیاوش و همکاران، ۱۳۸۹، *جغرافیای دوم متوسطه*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
 ۱۶. شفیعی، نوذر و عبدالحمید قلی‌زاده، ۱۳۹۱، «نظریه سیکل قدرت؛ چارچوبی برای تحلیل فرایند افول قدرت نسبی ایالات متحده و خیزش چین»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهاردهم، شماره ۴.

۱۷. شوتار، سوفی، ۱۳۸۶، *شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی*، ترجمه سید حامد رفیعی، تهران، سمت.
۱۸. عزتی، عزت‌الله و هادی ویسی، ۱۳۸۵، «تحلیل ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک خط لوله گاز ایران و هند»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، سال دوم، شماره ۲.
۱۹. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۸، *جغرافیای سیاسی جهان اسلام*، قم، انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۲۰. _____، ۱۳۸۰، *ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران، سمت.
۲۱. فولر، گراهام و لسر یان، ۱۳۸۴، *احساس محاصره ژئوپولیتیک اسلام و غرب*، ترجمه علی‌رضا فرشچی و علی‌اکبر کریمی، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ سپاه پاسداران اسلامی.
۲۲. گلنن، مایکل جی، ۱۳۸۲، «قضیه عراق و چرایی ناکامی شورای امنیت»، *فصلنامه راهبرد*، ترجمه ملیحه مهدی‌زاده، شماره ۲۸.
۲۳. متقی، افشین و مصطفی رشیدی، ۱۳۹۲، «تبیین ژئوپولیتیکی الگوهای اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر بر ساخت‌گرایی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۴.
۲۴. متقی، افشین، ۱۳۹۲، «تحلیل ژئوپولیتیکی مؤلفه‌های قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.
۲۵. میرترابی، سعید و مصطفی اسماعیلی، ۱۳۹۱، «بررسی و دسته‌بندی بزرگترین بازیگران بازار نفت جهان»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال نوزدهم، شماره ۳.
۲۶. نامی، محمدحسن، ۱۳۸۶، *تنگه‌ها و آبراهه‌های جهان*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۷. هرسیج، حسین و سایر نویسندگان، ۱۳۹۱، «تأثیر جنبش‌های اسلامی مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۰.
۲۸. والرستین، امانوئل، ۱۳۸۸، «سراشیب زوال؛ ظهور چند قطبی‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، ترجمه ام‌البنین توحیدی، سال هیجدهم، شماره ۵۱.
۲۹. یزدانی، عنایت‌الله و مجتبی تویسرکانی، ۱۳۹۰، «تحلیلی بر رقابت ژئوپولیتیکی قدرت‌ها در بیضی استراتژیک انرژی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و ششم، شماره ۴.
30. Agnew, J, 2003, *Geopolitics: Re-visioning world politics* (2 ed.), London: Routledge.
31. Agnew, J., & Corbridge, S, 1995, *Mastering Space: Hegemony, territory and international political economy*, New York: Routledge.

32. BP, 2013, Statistical Review of World Energy / bp.com / statisticalreview.
33. Cronin. Stephanie & Masalha. Nur, 2011, “The Islamic Republic of Iran and The GCC state: Revolution to realpolitik?” , in *LSE Kuwait Programme Research Paper*. No. 17.
34. Hafeznia, Mohammad Reza, 2010, “Emerging Perspective of The World Geopolitical Structure”, *GeopoliticsQuarterly*, Vol: 6, No.4.
35. Henriksen, T. H, 2001, “The Rise and Decline of Rogue States”, *Journal of International Affairs*, Vol. 54, No.2.
36. Kegley, Jr, Charles. W & Blanton, Shanonl, 2012-2013, *World politics: Trend and Transformation*, Canada, Wadsworthcen gage learning.
37. Naji, Saeid & Jawan, Jayum. A, 2013, “Geopolitics of The Islam world leadership”, *Transcience*, Vol. 4, Issue.1.
38. Nye, Joseph, 2007, *Notes for a soft power research agenda, in power in politics*, London & NewYork: Routledge.
39. Pew Research Center, 2009, *Mapping the Global Muslim Population; A Report on the Size and Distribution of the World's Muslim Population*. Washington, D.C.: Pew Forum on Religion& Public Life.

